

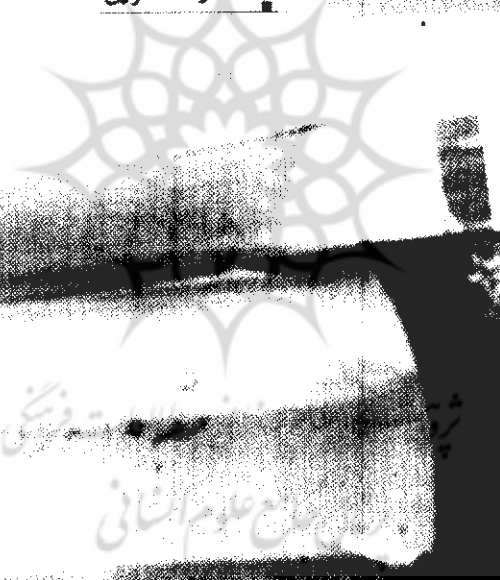
نقد نگارشی یک رأی

نقش نشانه‌های نگارشی در انتقال درست مطلب

محمدرضا خسروی

نگاهی که من به رأی دادگاه دارم، نگاهی نیست که از بالا به پایین باشد و نگاهی نیست که انتظار آنده غیر واقعی در پس پشت آن باشد، چرا که به هر حال قضات دادگستری بیشترین سهم مطالعه‌کنندگان و دقایق حقوقی اختصاص داده شده است. چه در دوره تحصیل و چه در دوران خدمت. در حال اشتغال، متوجه بازگشتایی مستور و مفید در حل عقد و وانمودن تعقید موجود در مواد قانونی و استنباط از آنها، ایجابهای مواد قانون کرده‌اند. در ادامه به ساخت و پرداخت متن در حاشیه کار ایشان می‌پرداخته است، پس من هم به عنوان منتقد شیوه‌های انشایی رأی، می‌بایست مراقب باشم که در حاشیه‌های خود، اشتباهات مشابه و

همچنان که بارها گفته‌ام انتظار دارم که همیشه در حاشیه‌های خود، موارد مشابه خود را به کمتر از آن، با



رای دادگاه:

در خصوص شکایت شرکت محترم اتوبوسرانی تهران با نمایندگی آقای محمد... بر آقایان حسن و علیرضا... دایر بر ردیف اول اختلاس در اموال دولتی و ردیف دوم تحصیل مال نامشروع دادگاه با مذاقه در اوراق محتوای پرونده و چگونگی موضوع و اظهارات نماینده شاکی و متهمان و مبلغ مورد خیانت دو هزار تومان که به قیمت واقعی چهار هزار تومان بوده و رانندگان شرکت اتوبوسرانی هم این شرکت واحد بوده ملاً بزه ارتکابی متهم در این خیانت در امانت به میزان چهار هزار تومان و تخلفات در این خصوص معاونت در آن بوده لذا با عنایت شکایت شرکت شاکی و گزارش مأمورین انتظامی و کشف بلیط های خریداری شده و اقرار صریح متهمان در مراحل تحقیقات مقدماتی و جلسه رسمی دادگاه و سایر قرائن و براین موجود در پرونده بزهکاری نامبردگان مبنی بر خیانت در امانت و معاونت در آن محرز و مسلم بود. علیهذا آقای حسن... را به جرم خیانت در امانت به میزان چهار هزار تومان باستاند ماه ۲۰۰۲

صفت محترم یاد کنیم، و دیگر این که دادگری این... می کند که اگر شاکی و خواهان را محترم می شمارید متهم و خواننده را هم باید محترم بشمارید، چه بسا که متهم در بسیاری موارد محترم هم باشد، وقتی نگاه ما به طرفین باید یکسان باشد عناوین و القاب هم باید به نحو مساوی تقسیم شود اما در کل همان بهتر است که از اشخاص حقوقی فقط با نام رسمی یاد شود و از اشخاص حقیقی فقط با عنوان آقا و بانو، نیاز ذکر برخی عناوین و القاب، خیالی خوش در ساختن خطور نکنند.

در همین دلیل که گفتیم، رای دادگاه جای نقد عمل اشخاصی که در دعوا سمتی ندارند، نیز نیست. چنان که می بینید رئیس دادگاه در میانه رای یکبارگیسرسر زده است به رهنمودهای ریاست قوه قضائیه با مسافات و بیاد کرده

قضات دادگستری بیشترین سهم مطالعات خود را به دقایق حقوقی اختصاص داده اند و نگاه ناقدانه به ساخت و پرداخت متن در حاشیه کار ایشان بوده است

محتوای پرونده» بهتر از آن دو به نظر می رسد. ۵- از سطر ۶ به بعد رای سه - چهار مرتبه فعل بوده به صورت ناقص و ابتر به کار رفته است حال آن که دادگاه از ماجرای که به تاریخ پیوسته است صحبت نمی کند و بلکه واقعه ای را بیان می کند که هم اکنون در جریان است وانگهی به جای بیان هذیان مانند «دو هزار تومان نبوده چهار هزار تومان بوده» بسیار سزاوارتر بود که قاضی دادگاه در آغاز رای شکایت شرکت را توضیح می داد که واقعا حکایت چه بود است که از آن به اختلاس و تحصیل نامشروع مال و سپس معاونت تعبیر شده است. ناگفته نماند که عیب کار همکاران ما این است که فکر می کنند همه مردم پیشاپیش از محتوای پرونده اطلاع دارند یعنی چنان قضایا را مبهم بیان می کنند که فقط خودشان

می فهمند چه می گویند اگر نه از ظاهر رای چیزی به دست نمی آید. در عبارت «بزهکاری آنان... مسلم بود» باز یاد وجود دارد که دادگاه از گذشته ای دور روایت می کند «آنها اگر نوشته می شد «مسلم است»

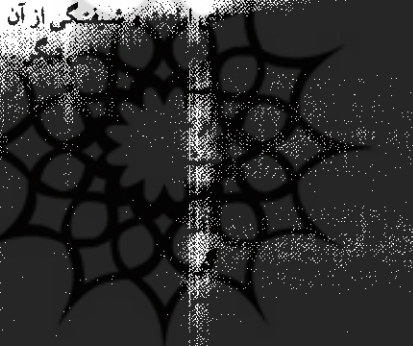
در عبارت «بزهکاری آنان... مسلم بود» باز یاد وجود دارد که دادگاه از گذشته ای دور روایت می کند «آنها اگر نوشته می شد «مسلم است» بهتر

«صدوق دولت اسلامی» و «صدوق دولت اسلامی» معلوم نیست از کجا آمده و اساساً چنین صندوقهایی وجود دارد؟

رای دادگاه حضوری ظرف» می بینید که در این صندوق و نه انسجامی. خوب وجود دارد که شکایت از کسی می آید که از دوستان برنند شکایت به دوستان و دلتناوزم شکری است یا شکایت از دوستان چون شکایت می کند - وز جداییها شکایت می کند اما این را هم بگویم که دعوا را بر کسی اقامه می کند نه از کسی و شاید زاید باشد که بگویم در این صورت ترکیب «برعلیه» دیگر غلط خواهد بود.

در عبارت «دایر بر ردیف اول اختلاس» این امر وجود دارد که جابه جایی بی مورد در ارکان جمله بندی آمده است. دایر بر اختلاس در مورد ردیف اول و تحصیل مال نامشروع در مورد ردیف دوم.

در عبارت: «مذاقه در اوراق محتوای پرونده» نیز جابه جایی صورت گرفته است و پیداست که «مذاقه در محتوای اوراق پرونده» فصیح تر از صورت



روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تعارف و تمجید کسی بزرگتر از تعریف و تمجید خود نیست. ۲- در عبارت: «شکایت بر علیه» وجود دارد که شکایت از کسی می آید که از دوستان برنند شکایت به دوستان و دلتناوزم شکری است یا شکایت از دوستان چون شکایت می کند - وز جداییها شکایت می کند اما این را هم بگویم که دعوا را بر کسی اقامه می کند نه از کسی و شاید زاید باشد که بگویم در این صورت ترکیب «برعلیه» دیگر غلط خواهد بود. ۳- در عبارت «دایر بر ردیف اول اختلاس» این امر وجود دارد که جابه جایی بی مورد در ارکان جمله بندی آمده است. دایر بر اختلاس در مورد ردیف اول و تحصیل مال نامشروع در مورد ردیف دوم. ۴- در عبارت: «مذاقه در اوراق محتوای پرونده» نیز جابه جایی صورت گرفته است و پیداست که «مذاقه در محتوای اوراق پرونده» فصیح تر از صورت

قانون مجازات اسلامی... ماه... و... گزارش رئیس... در امانت به میزان چهار هزار تومان باستاند ماه ۲۰۰۲

تهران می باشد. رئیس شعبه... اکنون که رای را خواندید، شما را به مطالعه نقد و نظر خود فرا می خوانم: ۱- مضاف الیه «محترم» پس از کلمه شرکت در صدور رای زاید می نماید، نخست به دلیل این که رای دادگاه عرصه تعارف و تکلف و تکریم و تعظیم نیست، شاکی هر کس باشد حقیقی یا حقوقی فقط شاکی است و محترم شمردن او این توقع را در مردم ایجاد می کند که در دیگر موارد هم شکات باید محترم شمرده شوند، مثلاً در رای نوشته شود: آقای الف وکیل محترم... یا مثالهایی از این قبیل، وانگهی شرکت اتوبوسرانی به عنوان یک شخصیت خدماتی محترم باشد یا نباشد تأثیری در نوع شکایت و شیوه دادرسی ندارد و من در همین مقاله ها درجایی گفته بودم که حتماً درست نیست که در رای دادگاه از مجلس شورا و شورای نگهبان و مثلاً دادستان و بازپرس با